

فاطمه واشقانی

دانش آموخته ی کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

غلامعلی سیفی زیناب^۱

استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

راهبردهای حقوقی جبران کاهش ارزش پول در قراردادهای با تکیه بر رویه قضایی

چکیده

کاهش ارزش پول یا تورم، چالشی است که امروزه در بیشتر قراردادهای به ویژه در قراردادهای بزرگ خودنمایی می کند و بر اثر آن، طرفین قرارداد یا یکی از آنها با مشکل جدی مواجه می شوند. در مورد قابلیت امکان مطالبه این نوع خسارتها، فقها و حقوق دانان مواضع مختلفی اتخاذ کرده اند، به نحوی که عده ای با استناد به حرمت ربا و اصل حاکمیت اراده دریافت خسارت ناشی از تورم را صحیح نمی دانند و در مقابل، گروهی نیز با استناد به نظریه غبن حادث، بنای عقلا، ضمان قیمی پول، قاعده فقهی لاضرر و قاعده انصاف، دریافت چنین خسارت هایی را قابل قبول می دانند. سؤال مد نظر این تحقیق این است که برای جبران کاهش ارزش پول در قراردادهای چه تدابیری را می توان در آنها اتخاذ کرد؟ انعقاد قرارداد به صورت ثمن شناور و همچنین پیش بینی شرط تعدیل قرارداد در ابتدای عقد یا در طول دوره اجرایی عقد از جمله این تدابیر است.

واژگان کلیدی: کاهش ارزش پول، تورم، قرارداد، ثمن شناور، تعدیل قرارداد.

1. A_sefi@sbu.ac.ir

مقدمه

کاهش ارزش پول ملی معضلی دیرین در نظام اقتصادی کشور ماست که البته دلایل مختلفی دارد. این معضل در حوزه قراردادهای بزرگ بیشتر خودنمایی می‌کند، چرا که ویژگی عمده و مهم قراردادهای کلان وجود فاصله زمانی نسبتاً طولانی بین انعقاد قرارداد و عملیات اجرایی است، اما شرایط و اوضاع زمان انعقاد قرارداد همیشه پایدار نمی‌ماند و بروز حوادث غیرمنتظره در حین اجرای عقد ممکن است سبب از میان رفتن تعادل و توازن اقتصادی در قرارداد شود، به گونه‌ای که اجرای بی‌کم‌وکاست مفاد قرارداد به مشقت یکی از طرفین عقد و گاه فقر و فلاکت وی در مقابل سود بادآورده و غیرقابل تصور طرف مقابل بینجامد.

این وضعیت، به‌ویژه افت ارزش پول در فاصله زمانی مذکور، باعث طرح موضوعاتی چون مشروعیت جبران خسارت ناشی از این افت، روش‌های جبران و بحث در خصوص جایگاه حقوقی و فقهی آن شده است (بصیری، ۱۳۸۵). به عبارت دیگر، در مبادلات اقتصادی، مالی و قراردادهای منعقد، موارد متعددی وجود دارد که فرد در قرارداد با دیگری، تعهداتی را برابر مبلغی معین بر عهده گرفته یا معادل مبلغ خاصی برابر دیگری مدیون شده است و از زمان استقرار دین و تعهد تا لحظه ایفای آن، مدت‌زمان مدیدی طول می‌کشد و در این فاصله ممکن است عوامل مختلفی از جمله ارزش پول، ارزش کار نیروی انسانی و از همه شایع‌تر قیمت عوامل تولید، کالا و خدمات تغییر کند که با توجه به عدم پیش‌بینی متعهد یا صاحب حق دینی، موجب تضرر طرف قرارداد شود (بیگدلی، ۱۳۸۶: ۲۵).

قوانین و مقرراتی برای ترمیم خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در مجالس قانون‌گذاری و شرکت‌های تولیدی یا تجاری وضع شده است. این قوانین موجب اتخاذ رویه‌های مختلفی توسط فقها شده است، به نحوی که بسیاری از فقها به دلیل شائبه ربا، آن را با موازین شرعی مغایر دانسته و برخی دیگر مطالبه و اخذ آن را با شرایطی خاص پذیرفته‌اند (محقق حلی، ۱۳۷۴: ۳۲۹/۲). فقهای موافق، مطالبه و اخذ خسارت ناشی از کاهش ارزش پول و تأخیر تأدیه را در تمام دیون پذیرفته‌اند و آن را مستلزم افتادن در ربای محرم نمی‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۰۱).

در واقع، طرفین برای تعدیل قرارداد پیش‌بینی خاصی نکرده باشند، گاه قانون‌گذار بنا به مصالح اجتماعی و منافع عمومی، بازبینی در مفاد قرارداد را لازم می‌داند. این نوع تغییر

در مفاد قرارداد «تعدیل قانونی» نامیده می‌شود. در مواردی نیز دادرسی با استفاده از قواعد مورد قبول نظام حقوقی یا با تفسیر اراده طرفین، به تحدید در مفاد قرارداد اقدام می‌کند که از آن به «تعدیل قضایی» یاد می‌شود.

با این حال، طرفین قرارداد نیز برای حل مشکلات ناشی از کاهش ارزش پول می‌توانند قراردادهایشان را به گونه‌ای منعقد کنند که در صورت تغییر شرایط از انعطاف لازم برخوردار باشد، به گونه‌ای که در صورت لزوم بتوانند با شرایط جدید منطبق شوند. البته در بسیاری از قراردادها، پیش‌بینی‌های لازم در این زمینه انجام نمی‌شود و طبیعی است اگر امکان تعدیل یک قرارداد وجود نداشته نباشد، بنا بر اصل ثبات و استحکام قراردادها، چاره‌ای جز اجرای بی‌کم‌وکاست آن باقی نمی‌ماند که نتیجه‌ای جز زیان حداقل یکی از طرفین قرارداد نخواهد داشت.

هدف از این نوشتار بررسی راهبردهای طرفین قرارداد برای ترمیم کاهش ارزش پول در حین اجرای قراردادها است. در این مسیر، بررسی تعارض موجود بین حرمت ربا در شرع و قانون و مشروعیت تعدیل قرارداد ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، این پرسش نیز مطرح می‌شود که آیا اخذ خسارت ناشی از کاهش ارزش پول و تأخیر تأدیه، قابلیت تسری به دیون دیگر را دارد؟

تعاریف

قرارداد: عقد یا قرارداد در لغت به معنی گره زدن، بستن و محکم کردن چیزی است (امامی، ۱۳۷۲: ۱۶۰/۱). یکی از اسباب ایجاد تعهد، عقد است که فقها و حقوق‌دانان گاهی به تفصیل و زمانی به مناسبت از آن بحث کرده‌اند. طبق ماده ۱۸۳ قانون مدنی، قرارداد یا عقد عبارت است از «این‌که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد.» بر اثر عقد، بین دو طرف رابطه جدید حقوقی برقرار می‌شود و طرفین با توجه به موضوع قرارداد، باید تعهداتی را نسبت به یکدیگر انجام دهند. البته در زبان غیرحقوقی، «عقد» و «قرارداد» به یک معنی به کار می‌رود، اما در علم حقوق، اصطلاح «عقد» در هنگام انعقاد عقود معین (عقدهایی که در قانون مدنی شرایط و چگونگی آن‌ها ذکر شده است، مثل عقد بیع، عقد اجاره، عقد رهن، عقد وکالت، عقد

مضاربه و غیره) استعمال می‌شود و حال آن‌که کلمه «قرارداد» بر تمامی عقود (اعم از معین و غیرمعین) اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، همکاری متقابل اراده دو یا چند شخص در ایجاد ماهیت حقوقی را «قرارداد» می‌گویند. قرارداد مانند عقد دارای دو معنای اعم و اخص می‌باشد. در معنی اعم، قرارداد مترادف با عقد و در برگیرنده عقود معین و غیر معین است، لیکن در معنای اخص، صرفاً عقود غیرمعین را شامل می‌شود. توافق دو یا چند نفر جزء اصلی تعریف قرارداد است. برای مثال، در خرید ملک یا آپارتمان دو نفر توافق می‌کنند که یکی (فروشنده) ملک خود را به دیگری (خریدار) بدهد و دیگری در قبال آن پولی به فروشنده پرداخت کند. قصد و رضایت درونی دو طرف بر انتقال مال یا انجام کار برای وقوع یک قرارداد کفایت می‌کند و زمانی که دو طرف با اراده آزاد بر موضوعی توافق کنند ملزم به رعایت آن می‌شوند و پس از آن، در حق طرفین و افرادی که جانشین آن‌ها می‌شوند (قائم‌مقام قانونی) نیز مؤثر است و به هیچ‌گونه تشریفات نیاز ندارد. البته قانون‌گذار، به لحاظ مصالح اجتماعی، شرایطی را به موارد فوق افزوده است که در بعضی مواقع بدون توجه به آن شرایط و تشریفات، مراجع قانونی از پذیرش قرارداد خودداری می‌کنند (همان‌جا).

شیخ مرتضی انصاری (۱۳۷۴: ۱/ ۲۴۰) عقد را مرکب از ایجاب و قبول می‌داند، چنان‌که علامه حلی (۱۳۷۰: ۱/ ۲۴۱) نیز عقد را به همان ایجاب و قبول تعریف می‌کند. سپس همین ایجاب و قبول، بر اساس محل و شیوه به‌کارگیری، موجب بیع (عقد بیع)، اجاره (عقد اجاره)، وکالت (عقد وکالت) و... خواهد شد، یعنی نفس عقد صرفاً همان ترکیب ذات ایجاب و قبول است و منطوق هم‌سوی ایجاب و قبول، بیان‌گر عنوان خاص عقد است. اما حقوق‌دانان تعریف «العقد هو الایجاب و القبول» را جامع نمی‌دانند. از نظر آنان، شاخص‌ترین پدیده‌ای که می‌تواند مبنای اختلاف یا اساس سلب جامعیت از تعریف فقها باشد، بی‌توجهی فقها به شخصیت حقوقی و اعمال او است. البته مصادیق شخصیت حقوقی در فقه فراوان است و حتی گاهی به اعمال او توجه خاصی مبذول شده و تحت شرایطی بسیار منطقی اجازه تملک به پل، مسجد، مدرسه و... نیز داده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۶ و ۷).

تورم: در زبان فارسی، «تورم» به معنای آماس و افزایش حجم است (نفیسی، ۱۳۵۵: ۱۲۲). در زبان انگلیسی نیز این کلمه به اینفلکشن^۱ تعبیر شده است، به معنی آماس و افزایش حجم (Ricci, 1960, P.102). در فرهنگ‌های عربی نیز از واژه «تورم» به «تضخم» تعبیر شده است (کتابی، ۱۳۷۹).

اما در علم اقتصاد، تورم یعنی زمانی که میزان وسایل پرداخت زیادتر از احتیاجات اقتصادی کشور و حجم کالاهای موجود باشد (پورهامیون، ۱۳۸۴: ۵۷). برخی از علمای علم اقتصاد معتقدند که تورم عبارت است از پدیده عمومی تعدیل تنش‌های فعال در مجموعه اقتصادی - اجتماعی از راه مکانیسم پولی که صفت مشخصه آن ترقی سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش ارزش پول است (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۳۴).

در مجموع، می‌توان گفت که تورم عبارت است از افزایش عمومی و نامتناسب قیمت‌ها به‌ویژه قیمت کالاها و خدمات مصرفی که غالباً حالت خودافزا، مداوم و برگشت‌ناپذیر دارد و کم‌وبیش موجب کاهش اعتماد عمومی به واحد پول ملی می‌شود. تورم معلول علل و عوامل متعدد و متنوع اقتصادی است و صرف‌نظر از تصمیم و اراده فروشنده یا عرضه‌کننده پدید می‌آید، لذا جنبه عمومی دارد و به کالا و خدمات خاص محدود نیست (کتابی، همان: ۲۰۶).

خسارت و ماهیت آن: حقوق‌دانان تعریفی صریح از خسارت بیان نکرده‌اند، اما به نظر می‌رسد هرگونه از دست دادن مال، محرومیت از منافع یا ایراد ضرر به تمامیت جسمی و مادی انسان می‌تواند نمونه‌هایی از خسارت باشد که در هر سه مورد ضرری به انسان وارد می‌شود. این ضرر گاهی به‌صورت مستقیم و گاهی غیرمستقیم است (پنج‌تنی، ۱۳۹۰). به عنوان مثال، هنگامی که شخصی بر اثر عمد یا سهل‌انگاری موجب تصادف با خودرویی شود، در واقع خسارت مادی وارد کرده است. خسارت می‌تواند به‌صورت محرومیت از منافع نیز مطرح شود، مانند هنگامی که فرد بر اثر ایجاد مزاحمت، مانع از به‌صرف دادن خانه به وسیله مؤجر به مستأجر می‌شود و بدین ترتیب، موجر از اجاره بهای خانه محروم می‌ماند.

^۱-inflation

در حقوق مدنی، خسارت تحت دو عنوان کلی «خسارت ناشی از قرارداد» و «خسارت غیرقراردادی» بررسی می‌شود، یا به عبارت دیگر «مسئولیت قراردادی» و «مسئولیت غیرقراردادی». در تمییز این دو نوع مسئولیت در قراردادها باید گفت مسئولیت هنگامی قراردادی است که دو شرط در آن جمع باشد: نخست، میان زیان دیده و عامل ورود ضرر، قرارداد نافذی حکومت کند؛ دوم، خسارت ناشی از اجرا نکردن مفاد این قرارداد باشد. فقدان یکی از این دو شرط، مسئولیت را از زمره مسئولیت‌های قراردادی خارج و تابع مسئولیت غیرقراردادی می‌سازد. در قانون مدنی، خسارت ناشی از نقض قرارداد در فصل «اثر معاملات» آمده است. در دو مبحثی که به قواعد عمومی و خسارات حاصله از عدم اجرای قرارداد اختصاص داده شده، سخنی از تقصیر مدیون و زیان‌های ناشی از آن دیده نمی‌شود و همه‌جا سخن از عهدشکنی است. این وضع موجب شده است که بعضی مسئولیت متعهد در جبران خسارت را دنباله التزام او در قرارداد پندارند و ارتباط نزدیک میان مسئولیت مدنی و این بحث را از یاد ببرند، در حالی که تحلیل حقوقی این دو نهاد نشان می‌دهد که مسئولیت، مبنای مشترک دارد. نقض عهد نیز اگر به عمد صورت پذیرد یا آمیخته با تقصیر باشد، از دیدگاه قانون‌گذار ضمان به بار می‌آورد. بر مبنای این تحلیل، ضمان ناشی از عهدشکنی را نیز می‌توان شاخه‌ای از مسئولیت مدنی شمرد و هر دو بحث را به هم آمیخت. این اقدام از لحاظ نظری نادرست نیست و در عمل باعث دشواری و تکلف می‌شود. همین قضاوت، معیار تمییز تقصیر در مسئولیت مدنی تجاوز از قانون و عرف است و در مسئولیت قراردادی نقض عهد و پیمان‌شکنی کافی است که احکام آن دو را متفاوت سازد (همان).

نظریه‌های حقوقی - فقهی

در خصوص جبران کاهش ارزش پول، نظریه‌های مختلفی از نظر حقوقی و فقهی مطرح شده است که در پنج دسته قابل تقسیم هستند:

۱. نظریه معیار بودن قدرت خرید اسمی پول: بر اساس این نظریه، پول در زمره اموال مثلی است؛ بنابراین، بر اساس قاعده مشهور فقهی «ضمان مثلی به مثل است»، اگر شخصی مبلغی بدهکار باشد و هنگام ادای دین، ارزش پولی که دریافت کرده در

مقایسه با زمان دریافت آن به شدت کاهش یافته باشد، حق طلبکار همان ارزش اسمی است و حق مطالبه بیش از آن را ندارد.

۲. نظریه مصالحه: چند گروه نظریه مصالحه را مطرح می‌کنند: نخست، فقیهانی

که به عدم جواز جبران کاهش ارزش پول حکم کرده‌اند و از باب احتیاط، مصالحه را لازم می‌دانند؛ دوم، فقهایی که به لزوم جبران کاهش ارزش پول حکم کرده و در عین حال، مصالحه را لازم شمرده‌اند؛ سوم، فقیهانی که بدون ارائه نظریه علمی، لزوم مصالحه را بیان کرده‌اند؛ و چهارم، گروهی که جبران کاهش ارزش پول را لازم می‌دانند، اما مصالحه را طریق احتیاط می‌شمارند.

۳. نظریه‌های تفصیل: برخی در این مسئله به گونه‌های مختلف نظر داده‌اند، چون:

تفصیل بین غصب و غیرغصب، تفصیل بین مهریه و قرض، تفصیل بین اطلاع و عدم اطلاع از آینده پول.

۴. نظریه راهکارهای عملی: بر اساس این نظریه، ضرر حاصل از کاهش ارزش

پول را می‌توان با برخی راهکارهای عملی جبران کرد یا به حداقل رساند، مثل شرط جبران کاهش ارزش پول. در این مثال، هنگام قرارداد قرض و امثال آن، شرط می‌شود که مدیون باید میزان کاهش ارزش پول را جبران کند و به طور قطع عمل به این شرط لازم است. مثال دیگر، شرط ارزش پول با ارزش کالای دارای ارزش ثابت است که بر اساس این شرط، هنگام قرارداد، ارزش پول را با ارزش کالا یا پولی که دارای ارزش ثابت است در نظر می‌گیرند و شرط می‌کنند که هنگام بازپرداخت، معادل ارزش آن کالا یا پول ادا شود.

راهکار عملی دیگر قرض دادن ارزش و مالیت پول است، به این صورت که در قراردادهایی مثل قرض، قرض‌دهنده می‌تواند ارزش و مالیت پول را قرض دهد و قرض‌گیرنده هنگام بازپرداخت، همان مقدار ارزش را باید بپردازد. خرید و فروش پول به صورت نسبی نیز از تدابیر عملی است. عده‌ای خرید و فروش پول را به صورت نسبی و به مبلغ بیش‌تر از مقدار ارزش اسمی جایز می‌شمارند. بدین ترتیب، دو طرف می‌توانند با در نظر گرفتن نرخ تورم انتظاری، به طور نسبی خرید و فروش کنند.

۵. نظریه ملاک بودن قدرت خرید حقیقی پول: طرفداران این نظریه معتقدند

که در دیون و داد و ستدهای اموال با پول های اعتباری، قدرت خرید حقیقی پول باید ملاک باشد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴: ۷۷-۷۸).

تدابیر قراردادی جبران کاهش ارزش پول

الف. تدابیر مربوط به چگونگی پرداخت ثمن

اجتناب از قطعیت یافتن ثمن در قراردادها و نیز استفاده از روش های پرداخت به غیر پول رایج (ارز معتبر یا کالای ذی قیمت) دو راهکار قراردادی است که با توجه به نحوه پرداخت ثمن اتخاذ می شود.

۱. اجتناب از قطعیت ثمن

لزوم معلوم بودن هر یک از عوضین به ویژه ثمن در قرارداد از اصول حاکم بر حقوق تعهدات و بالاخص از شرایط اساسی عقود، به خصوص عقد بیع محسوب می شود. به تدریج و با توسعه فناوری ها و پیچیده شدن روابط اقتصادی و تجاری و لزوم سرعت در برقراری معاملات و مبادلات تجاری و بین المللی، از شدت اصل مزبور تا حدودی کاسته شده و مقرراتی در زمینه پذیرش امکان انعقاد عقد بیع بدون تعیین ثمن در هنگام قرارداد به تصویب رسیده است. قانون مدنی ایران که مقتبس از فقه امامیه است، بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه، به ویژه حدیث غرر (نفی غرر)، بر لزوم رفع ابهام از مورد معامله و ثمن در زمان انعقاد قرارداد تأکید ورزیده و ابهام و مجهول گذاشتن ثمن را از اسباب بطلان بیع تلقی کرده است.

از جمله فقهای شیعه که درباره لزوم معلوم بودن ثمن اظهار نظر کرده اند، محقق حلی است که در *شرایع الاسلام* آورده که شرط است که قدر، جنس و وصف ثمن معلوم باشد و اگر به حکم یکی از طرفین بیع شود، یعنی تعیین آن به یکی از طرفین سپرده شود، عقد منعقد نمی گردد (محقق حلی، ۱۳۷۰: ۳۱۴/۱). صاحب *جوهر* نیز با استناد به اجماع و حدیث نهی از بیع غرری، علم به ثمن را از شرایط صحت بیع می داند (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۴۶/۲۴). همچنین بر اساس دیدگاه شیخ انصاری، علم به میزان ثمن از شرایط درستی بیع است، پس اگر متاعی فروخته شود و تعیین بهای آن به یکی از طرفین سپرده شود، عقد باطل است (انصاری، ۱۳۷۴: ۲۱۴/۱).

این بحث در فقه اهل سنت و جماعت نیز مطرح شده است. یکی از شرایط صحت بیع نزد حنفیان آن است که مبیع و ثمن معلوم باشند؛ بنابراین، بیع کالای مجهول و نیز بیع با ثمن مجهول و نامعین (مثل این که بگویند: «این کالا را به بهایش یا به آن چه در دستان یا جیب اوست خریداری کردم») صحیح نیست. مالکیان نیز معلوم بودن عوضین برای طرفین را از شرایط صحت بیع می‌دانند. نزد شافعیان هم معلوم بودن عین، مقدار و صفت موضوع عقد اعم از ثمن و مثنی برای طرفین لازم است. حنبلیان نیز معتقدند که ثمن در حال عقد یا پیش از آن باید برای طرفین قرارداد مشخص باشد، وگرنه بیع باطل است (السنهوری، ۱۹۹۸: ۶۹۰).

به هر حال و با وجود مواضع فقهی، در عمل، در برخی موارد، طرفین قرارداد به دلیل ضرورت‌های اقتصادی و بر این مبنا که تعیین دقیق و عادلانه ثمن در هنگام انعقاد عقد بیع ممکن نبوده یا به علت هراس از نوسان قیمت‌ها، به جای تعیین مبلغ ثمن، روش‌هایی را در عقد برای این موضوع مقرر می‌کنند یا محاسبه ثمن را به یک سلسله عوامل منطقی و حساب‌شده ارجاع می‌دهند. به نظر می‌رسد در این مورد باید ثمن را به طور ضمنی از سوی طرفین، تعیین‌شده به حساب آورد. متعاملین معمولاً در قرارداد خود ثمن معامله را صریحاً یا ضمناً تعیین یا حداقل ضابطه یا معیاری برای تعیین ثمن ارائه می‌کنند. برخی از این ضوابط عبارت‌اند از:

- ۱- تعیین قیمت به نرخ روز تحویل
- ۲- قیمت مال بر اساس قیمت بازار بورس در تاریخ معین
- ۳- موکول کردن تعیین ثمن به توافق بعدی متعاملین یا به عهده یکی از طرفین عقد یا توسط ثالث
- ۴- گزینش تعیین ثمن از طریق داور
- ۵- تعیین ثمن معامله بر اساس قیمت خرید کالا توسط فروشنده به اضافه درصدی از سود (یوسفی، ۱۳۷۷: ۸).

ثمن شناور

در این میان، عده‌ای به انعقاد قرارداد به صورت «ثمن شناور» روی آورده‌اند، شیوه‌ای برای بی‌اثر کردن نرخ تورم نسبت به طرفین قرارداد. در این روش، ثمن قرارداد در هر مرحله از قرارداد خودبه‌خود تعدیل می‌شود و طرفین با قبول نوسانات بازار تا میزان افزایش یا کاهش یافته، قیمت عوامل تولید را به صورت روزآمد محسوب می‌کنند.

ثمن شناور با عناوین مختلف در فقه و حقوق ایران بررسی شده، ولی با این عنوان خاص به تازگی در فقه و حقوق ایران مورد توجه قرار گرفته است. ثمن شناور چندان در حقوق ایران پذیرفته شده نیست، اما در عرف جامعه و برخورد دست‌اندرکاران امور کشور می‌توان آن را امری تقریباً طبیعی محسوب کرد. برای مثال، در مورد خرید و فروش خودرو از سوی کارخانه‌ها که تحویل آن‌ها پس از مدتی صورت می‌گیرد، چنین شیوه‌ای مرسوم است. کارخانه‌ها خودروهای خود را که هنوز تولید نکرده‌اند به قیمت زمان تحویل می‌فروشند، در حالی که ثمن قطعی آن‌ها در آینده مشخص می‌شود.

اگر با دید انعطاف‌ناپذیر حقوقی و به عنوان بیع خالص در حقوق ایران به این قرارداد نگاه کنیم، راهی جز اعلام بطلان آن وجود ندارد، اما بعضی حقوقدانان اعتقاد دارند که نگارش برخی مواد قانون به گونه‌ای است که تردید در لزوم معین بودن مورد معامله را در هنگام انشای عقد به وجود می‌آورد، مانند زمانی که در بیع کلی لازم نیست دقیقاً در لحظه انعقاد، عین موجود باشد، بلکه تعیین آن به وصف نیز ممکن است، در نتیجه چه بسا بتوان در معاملات عین کلی، ثمن را نیز در آینده تعیین کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۷۶/۱). از نظر بسیاری از فقها، یکی از شرایط درستی عقد بیع، معلوم بودن عوضین برای طرفین است. به بیان برخی از فقها، شرط است که قدر، جنس و وصف ثمن مشخص باشد و اگر به حکم یکی از طرفین بیع شود، به طوری که تعیین آن به یکی از طرفین عقد سپرده شود، عقد بیع منعقد نمی‌شود (۱۳۷۰: ۱۳/۱). این نظر در میان فقیهان اهل سنت نیز جاری است و آنان نیز یکی از شرایط صحت بیع را معلوم بودن مبیع و ثمن دانسته‌اند (الزحیلی، ۲۰۱۱: ۳۸۳/۴). مشهور فقهای امامیه نیز علم به مقدار ثمن در زمان انعقاد قرارداد را شرط صحت معامله تلقی نموده‌اند (موسوی الخمینی، ۱۳۶۸: ۵۱۵/۱).

ثمن شناور در نظم حقوقی کشور ما نیز قابل بررسی است. حقوقدانان معتقدند که قواعد حقوقی همیشه مبتنی بر قانون نیست، بلکه می‌توان آن را در قالب رسوم، عادات و

نیازمندی‌ها نیز تفسیر کرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۱۹۵). عده‌ای نیز معتقدند که موارد علم اجمالی به مورد معامله، از جمله ثمن، به‌خوبی در حقوق ایران مشخص نشده است (امامی، ۱۳۷۲: ۲۱۳). با این حال، در شرایط صحت معامله به موجب بند سوم ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران، معین بودن مورد معامله از جمله شرایط صحت معامله است و مورد معامله نه تنها باید معین، بلکه باید معلوم نیز باشد. به موجب ماده ۲۱۶ قانون مدنی «مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است». همچنین، در این زمینه، توجه به تعریف عقد بیع در ماده ۳۳۸ قانون مدنی ضروری است: «بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم». پس برای این که عقدی به عنوان بیع تلقی شود، ضروری است که عوض معامله (ثمن) معلوم باشد و طبق ماده ۳۴۲ قانون مدنی لازم است که مبیع نیز معلوم باشد. مضافاً این که معلوم بودن آن با توجه به معیارهای اندازه‌گیری به عرف بلد واگذار شده است.

بنابراین، به جرأت می‌توان گفت برای صحت انعقاد عقد بیع نه تنها مبیع باید معلوم و معین باشد، بلکه این حکم در مورد ثمن نیز جاری است. به عبارت دیگر، اگر ثمن شناور باشد، اعم از این که معلوم یا معین نباشد، بیع صحیح واقع نمی‌شود. این امر در مورد سایر معاملات معوض نیز ظاهراً صادق است و صحت هر معامله‌ای که ثمن آن شناور باشد، محل تردید است. هنگامی که راجع به ثمن توافقات ابتدایی صورت گرفته، معامله باطل است و این‌گونه توافقات برای صحت عقد بیع کافی نیست. در فرضی که ثمن قرارداد مسکوت گذارده شود، عدم صحت معامله محرز و بطلان آن مسلم است (داراب‌پور، ۱۳۷۴: ۲۶۱/۳). حقوقدانان حالات متعددی را برای ثمن شناور پیش‌بینی کرده‌اند که بحث درباره آن‌ها در این جا نمی‌گنجد (ر.ک.: داراب‌پور، سهراب، ۱۳۷۴: تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، انتشارات گنج دانش، ج ۳).

موکول کردن تعیین قطعی ثمن به آینده، نه تنها در معاملات بین افراد، بلکه برای دولت‌ها نیز مفید و جذاب است، چنان که دولت‌ها نیز برای مصون ماندن از تحریم‌های اقتصادی، سیاسی و سایر پیشامدهای غیرمترقبه، قرارداد بیع کالاهای خود مثل نفت را از قبل منعقد می‌کنند و ثمن آن را مفتوح می‌گذارند تا با توجه به قیمت روز، سقف آن معین شود. آن‌ها قسمتی از ثمن کالا را از قبل وصول می‌کنند، زیرا وصول این قسمت از ثمن از نقض قرارداد توسط مشتری جلوگیری می‌کند و در صورت تحریم، شرکت‌ها و

ارگان‌های دولتی کشورها و به طور کلی خود دولت‌ها غالباً مایل نیستند به خاطر تحمل خساراتی که خواهند کرد، از پیش پرداخت صرف نظر کرده و قرارداد را نقض کنند (همان: ۲۳۱).

اضافه کردن به ثمن با استناد به شروط ضمن عقد

گاهی در ضمن قرارداد، تعهد و قرارداد فرعی دیگری به وجود می‌آید که به آن «شرط ضمن عقد» می‌گویند که موضوع آن تعهد یا قرارداد فرعی می‌تواند به صورت مستقل از قرارداد اصلی شود یا بخشی از مورد قرارداد اصلی را تشکیل دهد. بی تردید، اصل حاکمیت اراده و ثبات قراردادهای اقتضا می‌کند که توافق متعاملین، محترم و الزام‌آور باشد و تغییری در آن صورت نگیرد. ماده ۲۱۹ قانون مدنی نیز در این زمینه مقرر کرده است: «عقودی که برطبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آن‌ها لازم‌الاتباع است». با این حال، تحت شرایطی خاص، عدالت و انصاف ایجاب می‌کند که قرارداد با شرایط جدید یا ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی تطبیق و تعدیل شود. متعاقبین می‌توانند شرطی در قرارداد خود پیش‌بینی کنند که به موجب آن تحت شرایط معین در متن قرارداد و شرایط مندرج در آن، نسبت به اضافه کردن ثمن اقدام نمایند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۷۲).

بر اساس فقه اسلامی اگر شرطی ضمن عقد لازم بین دو طرف قرارداد مقرر شود، عمل به آن شرط، لازم و واجب خواهد بود، البته در صورتی که شرط خلاف دستورهای قرآن و روایات معصومین (ع) نباشد. بنابراین، اگر جبران کاهش ارزش پول، ضمن عقد لازمی شرط شود، عمل به شرط الزامی است و در نتیجه، جبران کاهش ارزش پول واجب خواهد شد (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۴۶).

۲. پرداخت به غیر پول رایج

تدبیر قراردادی دیگر برای جلوگیری از ورود ضرر و جبران کاهش ارزش پول، پرداخت ثمن به غیر پول رایج است. در این روش، دو راهکار قابل بررسی است: نخست، پرداخت به وسیله ارزهای معتبر؛ دوم، پرداخت ثمن با استفاده از طلا یا کالای ذی‌قیمت دیگر.

در قراردادهای داخلی، ثمن معامله معمولاً به پول رسمی کشور تعیین می‌شود و این احتمال وجود دارد که به علت کاهش ارزش برابری نرخ ارز، فروشنده متضرر شود. به عنوان مثال، هر گاه کالایی به مبلغ صد میلیون تومان فروخته و مقرر شود که مبلغ مذکور یک سال بعد و هنگام تحویل کالا پرداخت گردد، این ترس وجود دارد که با کاهش ارزش

پول رسمی کشور، آنچه فروشنده تحصیل می‌کند نتواند هزینه تولید کالایی را که مواد اولیه آن از خارج تهیه و به پول خارجی خریداری شده است پوشش دهد. بر این اساس، ممکن است طرفین معامله به جای تعیین ثمن به پول رسمی کشور، ارز دیگری مانند دلار یا یورو را پیش‌بینی کنند که معمولاً ارزش اقتصادی خود را در برابر سایر ارزها حفظ می‌کنند. چنین راهکار و شیوه‌ای در قراردادهای تجاری بین‌المللی شایع و رایج است، لیکن در قراردادهای داخلی کمتر استفاده می‌شود. سؤالی که در این قسمت مطرح می‌شود این است که آیا چنین قراردادهایی اعتبار شرعی و قانونی دارند.

به موجب ماده ۳۳۸ قانون مدنی، تردیدی در صحت چنین معامله‌ای وجود ندارد، زیرا کافی است ثمن معلوم و معین باشد. در داوری عرف و تمییز بیع از معاوضه در عقد بیع، ثمن معمولاً پول است، بدون توجه به نوع آن که از حیث مسکوک یا کاغذی بودن یا وجه رسمی کشور یا ارز بودن محدودیتی مقرر شود. در فقه امامیه نیز آنچه ضرورت دارد تعیین ثمن است و می‌تواند با اوصاف گوناگون مورد توافق قرار گیرد. قاعداً اگر بایع، مبیع را به ثمن مطلق بفروشد، منصرف به وجه رایج بلد است و اگر در محل انعقاد چند نوع وجه رایج باشد، بیع منصرف به مورد غالب است (کاتوزیان، همان: ۲۶). شیوه معامله با پول خارجی در تسهیلات بانکی نیز رایج است و در آیین‌نامه تأمین مالی صادرات (کالا و خدمات) مصوب ۱۳۸۴/۷/۴ شورای پول و اعتبار مورد توجه قرار گرفته است.

درباره امکان پرداخت ثمن به ارز معتبر بر اساس آرای قضایی، می‌توان به بند ۱ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ اشاره کرد که بر اساس آن خواسته دعوی می‌تواند پول خارجی را طلب کند و منشأ چنین استحقاقی می‌تواند قرارداد میان طرفین باشد. رأی وحدت رویه شماره ۹۰ مورخ ۱۳۵۳/۱۰/۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را به پول خارجی تأیید کرده است. در ماده ۲۵۲ قانون تجارت نیز پرداخت وجه برات به هر نوع پولی تجویز شده است (روزنامه رسمی به شماره ۹۶۳۵۱۴). بر اساس نظریه‌ای که به اتفاق آرا از سوی قضات دادگاه‌های حقوقی ۲ تهران ارائه شده است، به هنگام اجرای حکم، عین پول خارجی باید تأدیه شود و اگر موجود نباشد، باید قیمت عادلانه آن به نرخ معمول در بازار آزاد پرداخت شود (خان‌محمدزاده، ۱۳۹۴: ۴۵).

برای تعیین ثمن با نرخ ارز، دو روش می‌توان در نظر گرفت:

۱. اساساً ثمن معامله به پول خارجی محاسبه شود.
۲. ثمن به پول داخلی (ریال) تعیین، اما شرط شود که به هنگام پرداخت، ارزش برابری آن همانند روز عقد در نظر گرفته و محاسبه خواهد شد.

مزیت نسبی روش نخست این است که در آینده نیازی به محاسبه ندارد. ایراد این روش نیز گسترش بی‌اعتمادی به پول ملی است و از طرفی احتمال دارد به دلیل محدودیت‌های منابع ارزی در کشور، پرداخت پول خارجی به سهولت امکان‌پذیر نباشد. برای حل این مشکل می‌توان شرط کرد که در صورت عدم امکان پرداخت پول خارجی مورد توافق، معادل ریالی آن به نرخ روز بازار قابل پرداخت باشد (همان: ۵۵).

همچنین، طرفین قرارداد می‌توانند ثمن را با ارزش طلا یا کالایی که ارزش اسمی آن تقریباً هماهنگ با میزان افزایش تورمی فزونی یابد در نظر گیرند و پول را به صورت معادل یا بدل آن شیء قرار دهند و هنگام قرارداد شرط کنند که به هنگام پرداخت، معادل یا بدل آن را بپردازند. از آنجا که کاهش ارزش پول رایج و افزایش نرخ ارز از یک سو، و تعیین و تثبیت قیمت معامله که با فاصله زمانی نسبتاً طولانی بین انعقاد قرارداد و تحویل کالا همراه است، از سوی دیگر، موجب تضرر احتمالی تولیدکننده در پیش‌فروش کالا خواهد شد، لذا در قراردادهای می‌توان بهای معامله را با طلا سنجید، چرا که علی‌رغم کاهش ارزش پول، طلا منزلت خود را حفظ می‌کند. در نکاح‌نامه‌ها نیز مرسوم است که مقداری سکه طلا را به‌عنوان مهر در نظر می‌گیرند، زیرا معمولاً ادای مهریه مدت‌ها به تأخیر می‌افتد و تعیین سکه به‌عنوان مهریه و کاهش بعدی ارزش پول لطمه‌ای به میزان واقعی مهر وارد نمی‌سازد. در قراردادهای پیش‌فروش کالا نیز ثمن معامله می‌تواند مقداری طلا معین شود، زیرا به حکم ماده ۳۳۸ قانون مدنی متعلق ثمن می‌تواند غیر از وجه نقد نیز باشد.

راه‌حل یادشده نفوذ حقوقی دارد، لیکن درج آن در قراردادهای، به‌ویژه هنگامی که تولیدکننده زیرمجموعه‌ای از دولت باشد، ممکن است نوعی اقرار به بی‌ارزش بودن پول ملی قلمداد شده و بی‌اعتمادی نسبت به پول رایج مملکتی را موجب شود و در سایر قراردادهای نیز گسترش بی‌رویه یابد (بیگدلی، ۱۳۸۶: ۲۵۶).

ب. پیش‌بینی تعدیل قرارداد

تعدیل یعنی متعادل کردن و سوق دادن قرارداد به سوی عدالت. با این حال، منظور از عدالت در قرارداد عبارت است از نزدیک ساختن شرایط قرارداد و ارزش معاوضی ثمن و مبیع به یکدیگر. تعدیل قرارداد منعقدشده بین طرفین عقد از راهکارهای اصلی جبران خسارت ناشی از تورم در قراردادها است. از آنجا که زمان همواره آستان حوادث و تغییرات مختلف است بنابراین تأثیر عوارض ناشی از تغییرات بر قرارداد و تعهدات، امری محتمل است. از این رو، در قراردادهایی که از حیث زمان، طولانی است یا از حیث مبلغ قرارداد، دارای رقمی چشمگیر است یا امکان عدم تأمین اعتبار در موعد مقرر وجود دارد، متعاقبین با درج شرط تعدیل و قانون‌گذار با وضع مقررات می‌کوشند دست به تعدیل قرارداد زنند. تعدیل قرارداد یک مفهوم قانونی است که در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف با نام‌های متفاوت نامیده می‌شود. البته این تفاوت صرفاً در نام‌گذاری نیست، بلکه تفاوت در برداشت را نیز به دنبال داشته یا از آن متأثر بوده است.

یکی از روش‌های تعدیل قرارداد، استفاده از روش تعدیل قراردادی عقد است. در این روش، تعدیل قرارداد بر اساس خواست و اراده طرفین صورت می‌پذیرد. در این زمینه، ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران مقرر کرده است: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آن‌ها لازم‌الاتباع است، مگر این‌که به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود». بنابراین، هرگاه قراردادی با رعایت مقررات قانونی منعقد شود، طرفین ملزم به اجرا تعهدات ناشی از آن خواهند بود و اصولاً هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند به بهانه عذری (از جمله تغییر اوضاع و احوال حاکم بر عقد و مشکل‌تر یا گران‌تر شدن اجرای تعهد) به صورت یک‌جانبه در مفاد عقد تغییری ایجاد یا از انجام وظیفه خود شانه خالی کند.

طرفین قرارداد برای در امان ماندن از نوسان قیمت‌ها یا اوضاع و احوال دیگری که ممکن است تناسب و توازن قرارداد را برهم زند، می‌توانند شروط گوناگونی را پیش‌بینی می‌کنند که برخی به طور همزمان و خودکار تعهدات قراردادی را با اوضاع و احوال جدید منطبق می‌سازد و برخی به کمک اقدامات مکمل، چنین اثری به بار می‌آورند. از سوی دیگر، هرکدام از دو گونه شروط یادشده ممکن است از همان ابتدا توسط تشکیل‌دهندگان عقد مورد پیش‌بینی قرار گیرند و طرفین در ابتدای انجام معامله، دست به چنین عملی

نزنند، بلکه بعد از حدوث شرایط یادشده چنین تصمیمی بگیرند و رضایت خویش را برای تعدیل شرایط و مفاد اولیه عقد اعلام کنند (همان: ۲۵۷-۲۵۹).

۱. پیش‌بینی تعدیل به هنگام انعقاد قرارداد

گاه طرفین قرارداد، عقد هنگام انعقاد آن، اراده انشایی خود را بر سر این که قرارداد آن‌ها قابلیت تعدیل را داشته باشد، پیش‌بینی و ذکر می‌کنند. در واقع، هرگاه طرفین قرارداد بر احتمالات گوناگون تغییردهنده وضعیت اجرای آن، همچنین مشکلات ناشی از عدم امکان تغییر و تبدیل مفاد قرارداد در زمان اجرای آن واقف باشند، ترجیح خواهند داد که در زمان شکل‌گیری، تکوین و انعقاد عقد، تکلیف اوضاع و احوال غیرمنتظره را نیز روشن کنند (شفایی، ۱۳۷۲: ۱۲۲).

موضوع چنین قراردادهایی انجام عمل یا تسلیم کالایی در برابر دریافت مبالغی وجه نقد است. از سوی دیگر، نگرانی عمده متعاملین نوسانات مربوط به ارزش وجه رایج است که غالباً خود را به صورت کاهش ارزش پول نمایان می‌سازد. آنان از همان ابتدا به تنظیم شروطی می‌اندیشند که در صورت بروز چنین مشکلاتی یا با کاستی از میزان تعهد یا افزایش مابه‌ازاء، به ترمیم وضعیت زیان‌دیده و تعدیل اقتصادی عقد بینجامد. این شروط که اصولاً باید «شروط تعدیل‌کننده» نامیده شوند، در حقوق فرانسه به «شروط پولی» مشهور است.

شروط تعدیل‌کننده زمان تشکیل قرارداد، ممکن است به دو گونه کلی پیش‌بینی شوند: خودکار و غیرخودکار.

منظور از شرط تعدیل خودکار یا اتوماتیک قرارداد این است که طرفین در ابتدای عقد، خود تعدیل قرارداد را پیش‌بینی کنند و بعد از انعقاد عقد در هر موردی که تورم به وجود آید، قرارداد خودبه‌خود عمل تعدیل را بدون اراده طرفین قرارداد انجام خواهد داد. عده‌ای این‌گونه شروط را بدین نحو تعریف کرده‌اند: «شرط تغییر اتوماتیک که به آن شرط اشل متحرک یا شرط شاخص نیز گفته‌اند با هدف تغییر تعهد قراردادی مخصوصاً تعهد نسبت به مقادیری وجه نقد بر اساس تغییرات قیمت یک کالا معین یا یک سرویس مشخص یا سطح عمومی قیمت‌ها صورت می‌گیرد. این شرط در حقوق برخی کشورها، مدت‌ها به علت این که استدلال می‌شود که ممکن است باعث تورم شود مورد تردید بوده است، تا این‌که به علت سودمندی، آن‌ها غالباً بدون هیچ محدودیتی در پرداخت‌های بین‌المللی

پذیرفته شده، در حقوق داخلی نیز چنانچه با قواعد آمره خاصی تلاقی نداشته باشند مورد قبول قرار گرفته‌اند. هرگاه طرفین قرارداد، شرط تعدیل را به گونه‌ای پیش‌بینی نمایند که بدون اراده ثانوی آنان اثربخش باشد، تعدیل به طور خودکار تحقق خواهد یافت» (بیگدلی، ۱۳۸۶: ۲۶۱-۲۶۲).

تعدیل غیرخودکار قرارداد نیز یعنی این‌که طرفین در ابتدای عقد، نفس تعدیل قرارداد را پیش‌بینی کنند و این عمل منبعث از اراده‌های آن‌ها باشد و به جای این‌که قرارداد به صورت خودکار تعدیل شود، در مواقعی مانند تورم که قرارداد به تعدیل نیاز دارد، طرفین بدون تعدیل خودکار، خود مبادرت به این کار کنند و پس از انعقاد قرارداد و پیش‌بینی امکان هماهنگی تعهدات با اوضاع و احوال خارج از عقد، بدون نیاز به اراده جدید اطراف عقد محقق شود.

اگر تشکیل‌دهندگان قرارداد بخواهند نقش پررنگ‌تری در تغییر موازنه قراردادی ایفا کنند، دو روش در پیش‌رو دارند:

۱. به هنگام انعقاد قرارداد، دامنه تعدیل و چگونگی آن به وسیله متعاقدين یا ثالث پیش‌بینی شود، اما اجرای آن به الحاق طرفین به شرط تعدیل منوط گردد.

۲. طرفین به نقش پیش‌بینی‌شده در صورت اول اکتفا نکنند و بدون پیش‌بینی محتوای تعدیل، موظف به مذاکره برای رسیدن به شرایط عادلانه شوند (همان، ص ۲۶۳).

۲. پیش‌بینی تعدیل به وقت اجرا

تعدیل قرارداد به هنگام اجرا به دو صورت ممکن است: تعدیل آزاد و تعدیل آماده. منظور از تعدیل آزاد این است که طرفین در هنگام انعقاد عقد، شرطی را پیش‌بینی کرده باشند، اما بعداً بر اثر مرور زمان، آن شرایط را نامناسب ببینند و با حسن نیت تصمیم بر تعدیل قرارداد بگیرند. در پذیرش چنین اختیاری برای طرفین در تعدیل قرارداد، اختلافی میان حقوقدانان وجود ندارد و همه معتقدند همان‌طور که دو اراده می‌تواند عقد را به وجود آورد، همان دو اراده نیز می‌تواند به توافق در آن تغییر ایجاد کنند. در توجیه این اعتبار می‌توان چنین ابراز داشت که دو طرف شروط نامناسب را به تراضی آماده کرده‌اند و به جای آن قرارداد دیگری بسته‌اند و نتیجه این دو عمل حقوقی، اصلاح قرارداد نخستین است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۵۳۰).

البته این قاعده بدون استثنا نیست و در پاره‌ای موارد، قانون از باب نظم عمومی اجازه تغییر در مفاد قرارداد را نمی‌دهد، مانند عقد نکاح که من باب استحکام نهاد خانواده، وجود حق فسخ و تجدیدنظر در ماهیت آن محدود است.

برای تکمیل موضوع، به عنوان شاهد مدعا می‌توان به ماده ۸ قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹ اشاره کرد که در مقام دفاع از روش جلوگیری از تورم به صورت تعدیل به صورت آزاد چنین مقرر کرده است: «شرط مذکور در قرارداد کار و یا تغییر بعدی در آن در صورتی نافذ خواهد بود که برای کارگر مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در این قانون منظور ننماید.»

اما منظور از تعدیل آماده برهم‌زدن عقد به اراده دو طرف قرارداد است. این تعدیل مختص عقود لازم است، جز عقودی که در عین لزوم، مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد.

آماده، به عنوان یکی از اسباب تعدیل قرارداد، به دو نوع تقسیم شده است: نخست، جایی که قرارداد را بدون تغییر در ثمن و مثنی آماده کرده باشند؛ دوم، جایی که همراه با آماده، در عوضین قرارداد نیز خواهان تغییر شوند. صورت نخست آماده و تأثیرات آن در جلوگیری از تورم تقریباً بی‌فایده است، چون در آن آماده و تعدیل یعنی این که ما جزئی از قرارداد را آماده کنیم و با این کار عملاً طرف قرارداد را از انجام آن قسمت آماده‌شده جزئی معاف کنیم. این همان است که برخی اساتید از آن به «آماده جزئی» یاد می‌کنند (مشهدی، ۱۳۸۷: ۱۸۹). در صورت دوم که آماده همراه با کاهش یا تغییر در مورد میزان عوضین انجام می‌گیرد، مثالی مطرح می‌کنند که در آن شخص بر اثر کاهش ارزش وجه رایج، قسمتی از قرارداد را آماده می‌کند تا تعهد طرف مقابل را در آن قسمت ساقط کند، اما در مقابل چنین سقوط تعهدی، مبلغی از او دریافت کند (همان: ۱۹۰). اما آیا چنین شرطی صحیح است؟ بعضی حقوق‌دانان (امامی، همان: ۳۲۸) معتقدند که ماهیت آماده، جزء به‌هم‌زدن قرارداد نیست (برای دیدن نظر مشابه ر.ک.: کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۳). در این زمینه، بعضی فقهای امامیه گفته‌اند که چون تعدیل آماده، عقد جدید نیست، پیش‌شرط کاهش یا افزایش عوضین، مخالف ذات عقد است (شهید ثانی، ۱۳۸۳: ۲۱۴) و عده‌ای دیگر عدم تغییر در شرایط و عوضین قرارداد را جزء ماهیت آماده دانسته و معتقدند نباید تغییری در آن حاصل شود (نجفی، همان: ۳۴۰). به هر تقدیر، حقوقدانان پذیرفته‌اند که اگر هدف از تعدیل آماده، رسیدن

به عقد دیگری باشد، مانعی ندارد که شرط فزونی یا کاهش عوضین در ضمن آن نیز درج شود، به طوری که تغییرات جزئی و قابل اغماض در ضمن آماده (اگر مثلاً شرط شود فروشنده ثمن دریافتی را پس از مدتی پس دهد یا پرداخت آن را تقسیط کند)، صحیح است (کاتوزیان، همان: ۳۰). به نظر می‌رسد در این فرض با اقاله قرارداد می‌توان مانع خسارت ناشی از تورم و افت ارزش پول شد: اگر تورم فزونی یافته باشد، با اقاله کل عقد، متعهد از پرداخت مبلغ معاف می‌شود؛ همچنین، با اقاله جزئی، از مقدار افزایش یافته معاف خواهد شد. با این حال، روش‌های تعدیل قراردادی ویژه تورم در قرارداد نیست و از قواعد عمومی معاملات است که در هر موردی که شرایط عقد نیاز به بازبینی و جرح و تعدیل داشته باشد، چه نظر به تعهدات طرفینی باشد یا اوضاع اقتصادی، می‌توان از تعدیل قراردادی برای مهار خسارت و متعادل کردن عقد بهره جست.

نتیجه گیری

کاهش ارزش پول یا به بیانی دیگر تورم غالباً حالت خودافزا، مداوم و برگشت‌ناپذیر دارد و معلول عوامل متعدد و متنوع اقتصادی است و صرف‌نظر از تصمیم و اراده فروشنده یا عرضه‌کننده پدید می‌آید. تورم جنبه عمومی دارد و به کالا و خدمات خاص محدود نیست و بر قراردادها نیز اثر می‌گذارد، بدین سان که در قراردادهای بلندمدت، بر اثر مرور زمان، ممکن است قیمت عوامل تولید با پیش‌بینی طرفین مطابقت نکند و قیمت کالاها و خدمات و نیروی انسانی افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کند و بدین ترتیب، حداقل یکی از طرفین دچار ضرر و زیان هنگفتی شود.

میان حقوقدانان و فقها بحث‌های فراوانی بر سر قابلیت مطالبه خسارت ناشی از تورم در قراردادها مطرح شده است. عده‌ای از فقیهان معتقدند دریافت مبلغ بیش از مقدار اسمی دریافت‌شده، دریافت‌کننده را مشمول ربا می‌کند. در مقابل، حقوقدانان بر این باورند که ضمان کاهش ارزش پول از تحریم ربا، خروج تخصصی دارد، زیرا خسارت، ناشی از تورم دریافت مبلغ مازاد نیست، بلکه همان پول نخستین است. برخی صاحب‌نظران نیز در این زمینه به نظریه غبن حادث استناد کرده‌اند؛ به این معنی که اگر در طول زمان ارزش عرفی پول تغییر کند، اشکالی ندارد که آن را مصداق غبن بدانیم. بنابراین، متعهد باید

میزان خسارت ناشی از این افت را جبران کند یا متعهدها باید بتوانند قرارداد را فسخ کنند. عده‌ای دیگر در تأیید نظریه قابل قبول بودن دریافت خسارت ناشی از تورم، به ضمان قیمی پول اشاره کرده‌اند و معتقدند پول کالا نیست و منفعت استهلاک برای آن متصور نیست و فقط وسیله مبادله کالا است. از سوی دیگر، ضمان به مثل در کالاها و اموال حقیقی است، پس ضمان در پول، مانند ضمان در اموال قیمی است و باید هنگام پرداخت آن قیمت پرداخت شود و منظور از قیمت همان قدرت خرید آن است، نه الزاماً مبلغ اسمی پول. همچنین، طبق قاعده لاضرر نیز هرگونه ضرر در صورتی که انسان را در عسر و حرج بیندازد نهی شده است.

در نهایت، حقوق دانان چند روش خاص برای جبران ضرر ناشی از تورم در قراردادها در نظر گرفته‌اند، از جمله: الف. تدابیر مربوط به چگونگی پرداخت ثمن (اجتناب از قطعیت ثمن و پرداخت به غیر پول رایج)؛ ب. پیش‌بینی تعدیل قرارداد. اجتناب از قطعیت ثمن با تعیین ثمن شناور یا اضافه کردن به ثمن با استناد به شروط ضمن عقد ممکن است. برای پرداخت به غیر پول رایج نیز ارزشهای معتبر خارجی یا طلا پیش‌بینی شده است. پیش‌بینی تعدیل قرارداد نیز می‌تواند به هنگام انعقاد قرارداد یا به وقت اجرا عملی شود.

البته، چنان‌که گفته شد، درباره حرمت یا روایی هر یک از این تدابیر بحث‌های فقهی فراوانی شده است. به عنوان مثال، ثمن شناور با وجود شیوع در دستگاه‌های دولتی، چندان در حقوق ایران پذیرفته شده نیست و بسیاری از فقها نیز آن را نادرست می‌دانند، چرا که از دیدگاه فقهی یکی از شرایط درستی عقد بیع، معلوم بودن عوضین برای طرفین است. علاوه بر تدابیر قراردادی، قانونگذار نیز بعضی تدابیر قانونی را برای جبران خسارت ناشی از کاهش ارزش پول در قراردادها پیش‌بینی کرده است که بررسی آن‌ها جستاری دیگر را می‌طلبد.

📖 کتاب‌نامه:

۱. امامی، سید حسن، (۱۳۷۲): *حقوق مدنی*، ج اول، انتشارات کتاب‌فروشی اسلامیة، تهران.
۲. انصاری، مرتضی، (۱۳۷۴): *مکاسب*، ج اول، نشر دهقان، چ سوم، تهران.
۳. بصیری، مهدی، (۱۳۸۵): *کاهش ارزش پول و راه‌های جبران آن*، نشریه گفت‌مانحقوقی، ش ۱۱.
۴. بیگدلی، سعید، (۱۳۸۶): *تعدیل قرارداد*، نشر میزان، چ دوم، تهران.
۵. پنج‌تنی، محسن، (۱۳۹۰): *خسارت وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه*، نشریه کانون، ش ۱۱۸.
۶. پورهمایون، علی‌اصغر، (۱۳۸۴): *اقتصاد*، انتشارات مؤسسه عالی حسابداری، تهران.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۲): *حقوق تعهدات*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۸. حلی، علامه، (۱۳۷۰): *تبصرة المتعلمین*، ج ۱، نشر کتاب‌فروشی اسلامیة، چ سوم، تهران.
۹. خان‌محمدزاده، راحله، (۱۳۹۴): «*مبنا و گستره خسارت قابل مطالبه در بطلان معامله غیر با تأکید بر رویه قضایی*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، به راهنمایی دکتر غلامعلی سیفی زیناب، تهران.
۱۰. داراب‌پور، سهراب، (۱۳۷۴): *تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی*، ج ۳، انتشارات گنج دانش، تهران.
۱۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۴): *پول در اقتصاد اسلامی*، انتشارات سمت، تهران.
۱۲. الزحیلی، وهبه بن مصطفی، (۲۰۱۱): *الفقه الاسلامی وأدلتة*، ج ۴، انتشارات دارالفکر، قم.
۱۳. السنهوری، عبدالرزاق، (۱۹۹۸): *الوسیط فی شرح قانون المدنی الجدید*، انتشارات منشورات الجلی الحقوقیه، بیروت، لبنان.
۱۴. شفایی، محمدرضا، (۱۳۷۶): *بررسی تطبیقی نظریه تغییر اوضاع و احوال در قراردادها*، انتشارات ققنوس، تهران.
۱۵. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۳۸۴): *فقه استدلالی* (ترجمه تحریر الروضه فی شرح اللمعه)، نویسندگان: علیرضا امینی و محمدرضا آیتی، ترجمه مهدی دادرزی، ۱۳۸۴، انتشارات کتاب طه، چ هشتم، قم.
۱۶. کتابی، احمد، (۱۳۷۹): «*تلاش برای شناخت مفهوم واقعی تورم*»، نشریه اقتصاد، ش ۱۰.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴): *حقوق مدنی؛ اعمال حقوقی (قرارداد-ایقاع)*، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۱۸. _____، (۱۳۸۴): *قواعد عمومی قراردادها*، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چ سوم، تهران.
۱۹. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۳۷۴): *شرایع الاسلام فی مسایل الحلال و الحرام*، ج ۲، ترجمه محمدتقی دانش‌پژوه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
۲۰. محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۸): *نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی*، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.

۲۱. مشهدی، صمد، (۱۳۸۷): *سقوط تعهدات*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰): *ریا و بانک‌داری اسلامی*، انتشارات مدرسه الامام علی ابن ابی طالب، قم.
۲۳. موسوی الخمینی، روح‌الله، (۱۳۶۸): *تحریر الوسیله*، ج ۱، انتشارات مؤسسه نشر اسماعیلیان، قم.
۲۴. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۷): *جواهر الکلام*، ج ۲۴، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم.
۲۵. نفیسی، علی‌اکبر، (۱۳۵۵): *فرهنگ ناظم*، ج اول، نشر چاپ افست، تهران.
۲۶. نیک‌گهر، عبدالحسین، (۱۳۶۹): *فرهنگ علوم اقتصادی*، انتشارات صفار، تهران.
۲۷. یوسفی، احمدعلی، (۱۳۷۷): *ماهیت پول و راهبردهای فقهی و اقتصادی آن*، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.